



بررسی مقایسه‌ای استعاره‌های خشم در زبان فارسی و انگلیسی

محمدامین صراحی^۲

محمد عموزاده^۱

چکیده

مقاله حاضر به مقایسه استعاره‌های مربوط به احساس خشم در زبان‌های فارسی و انگلیسی بر اساس الگوی شناختی - زبانی لیکاف و کاوکس (۱۹۸۷) می‌پردازد. داده‌های این تحقیق بر اساس الگوی تشخیص استعاره از عبارات و اصطلاحات مربوط به احساس خشم استخراج گردیدند و با یکدیگر مقایسه شدند. نتایج حاصل از این تحقیق شباهت‌ها و تفاوت‌های فراوانی را میان استعاره‌های مربوط به احساس خشم در این زبان‌ها نشان می‌دهد. شباهت‌های موجود عمدتاً ناشی از انگیزشی جهانی است که بیشتر به دلیل فعالیت‌ها و عکس‌العمل‌های فیزیولوژیکی مشابه و همچنین عقاید مشابهی که گویندگان این زبان‌ها در رابطه با بدن خویش دارند به وجود آمده‌اند. تفاوت‌ها و جنبه‌های گوناگونی استعاره‌های مربوط به این احساس در این دو زبان به وجود زمینه‌های فرهنگی - عقیدتی متفاوت، تفاوت در رمزگذاری اطلاعات، میزان شرح و بسط واژگانی و یا حتی نوع دستوری واحدهای واژگانی به کار رفته مرتبط می‌باشد.

کلید واژه‌ها: استعاره، احساس خشم، زبان‌شناسی شناختی، زبان فارسی و زبان انگلیسی

✉ aminsorahi@hotmail.com

۱- استادیار گروه زبان‌شناسی دانشگاه گیلان (نویسنده مسؤول)

✉ amoozadeh@yahoo.com

۲- استاد دانشگاه اصفهان

تاریخ پذیرش: ۹۲/۱۲/۰۸

تاریخ دریافت: ۹۱/۰۸/۰۷

۱. مقدمه

بدون شک، از میان احساساتی که تاکنون مورد مطالعه قرار گرفته‌اند، خشم بیشترین میزان توجه را به خود اختصاص داده است. شاید یکی از دلایلی که باعث شده است مطالعات زیادی در این زمینه انجام گیرد، به مقاله لیکاف و کاوکسس (۱۹۸۷) برمی‌گردد که در آن برای اولین بار الگویی شناختی-زبانی را برای این احساس بر اساس داده‌های زبان انگلیسی آمریکایی پیشنهاد کردند. بر اساس همین الگوی پیشنهادی، مطالعات گسترده‌ای در رابطه با خشم در زبان‌های کاملاً متفاوتی مانند چینی (کینگ، ۱۹۸۹؛ یو، ۱۹۹۵)، ژاپنی (ماتسوکوی، ۱۹۹۵)، لهستانی (میکلاجزوک، ۱۹۹۸)، مجاری (کاوکسس، ۱۹۹۰، ۲۰۰۰)، عربی (معالج، ۲۰۰۴؛ العابد الحق والشریف، ۲۰۰۸)، زولو (Zulu) (تیلور و مبنسه، ۱۹۹۸)، وولوف (Wolof) (مونرو، ۱۹۹۱)، و اسپانیایی (سوریانو، ۲۰۰۳) انجام گرفته است. به دلیل اهمیتی که اثر لیکاف و کاوکسس (۱۹۸۷) در زمینه مطالعه احساس خشم در زبانشناسی شناختی پیدا کرده است و تبدیل به اثری کلاسیک در این زمینه شده است، در این تحقیق نیز الگوی پیشنهادی این دو به عنوان چارچوب اصلی مطالعه احساس خشم در زبان‌های فارسی و انگلیسی انتخاب گردیده است.

۲. نوع داده‌ها و روش کار

داده‌های زبان فارسی این تحقیق، از گونه گفتاری زبان فارسی که در برنامه‌های مختلف صدا و سیما به کار برده می‌شود و گفتگوهای روزمره، همچنین از گونه نوشتاری از منابع گوناگونی مانند فرهنگ‌ها و لغت نامه‌های فارسی به ویژه فرهنگ فارسی عامیانه، فرهنگ بزرگ سخن، و لغتنامه دهخدا، نشریات از قبیل روزنامه‌ها و مجلات در زمینه‌های گوناگون، و متون نثر شامل داستان‌های کوتاه، رمان‌ها، زندگی‌نامه‌ها، و مجموعه مقالات استخراج شده‌اند.

داده‌های زبان انگلیسی پژوهش حاضر نیز از گونه گفتاری زبان انگلیسی که در برنامه‌های گوناگون صدای آمریکا (VOA)، تلویزیون رسمی انگلستان (BBC)، و دیگر برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی انگلیسی زبان به کار برده می‌شود، و همچنین از گونه نوشتاری این زبان از منابع گوناگونی از قبیل: متون نثر شامل داستان‌های کوتاه، رمان‌ها، زندگی‌نامه‌ها، و مجموعه مقالات؛ نشریات از قبیل روزنامه‌ها و مجلات در زمینه‌های گوناگون، فرهنگ‌ها و لغت‌نامه‌های انگلیسی، به‌خصوص فرهنگ‌های زیر:

Longman Advanced American Dictionary,
The American Heritage Dictionary,
Webster's Third New International Dictionary,
Merriam Webster's Collegiate Dictionary,

و همچنین فهرست بزرگ استعاره دانشگاه برکلی، فهرست جامع استعاره در بخش انگلیسی دانشگاه لینگن (METALUDE)، و فهرست جامع داده‌های ملی بریتانیا (British National Corpus) استخراج گردیده‌اند.

در این تحقیق، الگوی "روند تشخیص استعاره" (MIP) که توسط گروه پراگ‌لجاز (Pragglejaz) به سرپرستی جرارد استین پیشنهاد شده است، برای تشخیص استعاره مورد استفاده قرار گرفته است. هدف اصلی این الگو ارائه شیوه‌ای روشن، انعطاف‌پذیر، و قابل اعتماد برای تشخیص عبارات استعاری در زبان گفتاری و نوشتاری می‌باشد و از چهار مرحله تشکیل شده است. بر اساس این الگو، برای تشخیص استعاره در ابتدا باید تمام متن / گفتمان به طور کامل خوانده شود و یا شنیده شود. سپس واحدهای واژگانی در آن متن یا گفتمان تعیین می‌گردد. در مرحله سوم، معنای بافتی هر واحد واژگانی به کار رفته در متن تعیین می‌گردد؛ یعنی چگونگی دلالت این واحد واژگانی به یک شیء، رابطه، خصوصیت، و چیزهای دیگر در بافت معنایی مشخص می‌شود. در این راستا باید به آنچه که قبل و بعد از واحد واژگانی به کار برده می‌شود، توجه کرد. در این مرحله، همچنین در مورد هر واحد واژگانی باید نشان داده شود که آیا این واحد واژگانی معنای معاصر اصلی‌تر و رایج‌تری در بافت‌های دیگر دارد یا خیر. معنای اصلی‌تر ملموس‌تر است (آن را راحت‌تر می‌توان تصور کرد، دید، شنید، بویید، و احساس کرد)؛ معمولاً ریشه در فعالیت‌های بدنی و فیزیکی دارد؛ دقیق‌تر است (در مقابل مبهم‌تر)؛ و از نظر تاریخی قدیمی‌تر است. البته باید توجه داشت که معنای اصلی لزوماً رایج‌ترین و پرکاربردترین معنای واحد واژگانی نیست. اگر واحد واژگانی معنای معاصر اصلی‌تر و مهم‌تری در سایر بافت‌ها داشته باشد، باید نشان داد که آیا معنای بافتی با معنای اصلی در تقابل می‌باشد یا خیر و آن معنا را بر اساس مقایسه با معنای اصلی می‌توان فهمید یا خیر و سرانجام اگر واحد واژگانی دارای این خصوصیات باشد، باید آن را استعاره در نظر گرفت.

استعاره‌هایی که بر اساس روند تشخیص استعاره از دو زبان فارسی و انگلیسی جمع‌آوری شده‌اند، طبق چارچوب زبان‌شناسی شناختی و براساس الگوی پیشنهادی لیکاف و کاوکسس (۱۹۸۷) و همچنین نظریه استعاره‌های مفهومی معیار اصلاح شده کاوکسس (۲۰۰۵، ۲۰۰۸) توصیف گردیده و سپس مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

۲. استعاره‌های مربوط به خشم در زبان‌های فارسی و انگلیسی

به عقیده لیکاف و کاوکسس (۱۹۸۷: ۱۹۵)، بیشتر افراد احساسات را عاری از محتوای مفهومی در نظر می‌گیرند. در اولین نگاه، عبارات‌های متعارفی که برای بیان خشم به کار برده می‌شوند، از چنان تنوع و گوناگونی برخوردارند که یافتن نظامی منسجم و یکپارچه امری تقریباً غیرممکن به نظر می‌رسد. طبق گفته لیکاف و کاوکسس (۱۹۸۷: ۱۹۵)، یکی از دایره‌المعارف‌های دانشگاهی حدود سیصد مدخل را نشان می‌دهد که به طور مستقیم یا غیرمستقیم با مفهوم خشم در ارتباط می‌باشند و به اصطلاحاتی مربوط می‌شوند که آنها نیز به نوبه خود از چنان تنوعی برخوردار هستند که به نظر نمی‌رسد از الگوی شناختی خاصی پیروی کنند. در اینجا، تعدادی از این مثال‌ها آورده شده است:

- (1) a. He lost his cool.
- b. She was looking daggers at me.
- c. He was foaming at the mouth.

d. You make my blood boil.

e. He was red with anger.

به عقیده لیکاف و کاوکسس (۱۹۸۷: ۱۹۶)، مطالعه این عبارت‌ها و رابطه میان آنها نشان می‌دهد که این جملات به صورت تصادفی به وجود نیامده‌اند و باید از نوعی ساختار نظام‌مند و هدفدار پیروی کنند که بیشتر ساختاری استعاره‌ای و مجازی دارند. از آنجا که احساس خشم اثرات فیزیولوژیکی تقریباً یکسانی را میان انسان‌ها به وجود می‌آورد، در نتیجه باید الگوهای کم و بیش مشابهی نیز در رابطه با اثرات فیزیولوژیکی احساس خشم وجود داشته باشد که بر اساس آن، می‌توان فهمید چه زمانی شخص عصبانی است و یا خشم خود را پنهان می‌کند. این الگو عبارت است از:

- افزایش گرمای بدن، افزایش فشار درونی (فشار خون یا ماهیچه‌ها)، لرزش، و اختلال در درک صحیح.

- وقتی خشم افزایش می‌یابد، تأثیرات فیزیولوژیکی آن نیز افزایش می‌یابد.

- اگر میزان خشم از حدی بیشتر شود، تأثیرات فیزیولوژیکی آن به کارکرد طبیعی اندام‌های درگیر آسیب می‌رساند.

بر اساس الگوی بالا و همچنین این اصل کلی که تأثیرات فیزیولوژیکی یک احساس به جای آن احساس به کار برده می‌شود، می‌توان نظامی از مجازهایی را که در رابطه با احساس خشم در دو زبان انگلیسی و فارسی به کار برده می‌شود، نشان داد:

(2) PHYSIOLOGICAL RESPONSES OF AN EMOTION FOR THE EMOTION

BODY HEAT:

When the cop gave her a ticket, she got all hot and started cursing.

INTERNAL PRESSURE:

When I found out, I almost burst a blood vessel.

REDNESS IN FACE AND NECK AREA:

She got red with anger.

AGITATION:

She was shaking with anger.

INTERFERENCE WITH ACCURATE PERCEPTION:

I was so mad I couldn't see straight.

عبارت‌های زبانی جمع‌آوری شده از زبان فارسی نیز وجود الگوی مشابهی از تأثیرات فیزیولوژیکی را نشان می‌-

دهند:

(۳) تأثیرات فیزیولوژیکی یک احساس به جای آن احساس

افزایش گرمای بدن:

بازم داغ کرد.

فشار درونی:

از خشم داشت منفجر می‌شد.

سرخ شدن صورت و ناحیه گردن:

[از عصبانیت] صورتش سرخ شده بود.

هیجان و لرزش بدن:

از عصبانیت تمام بدنش داشت می‌لرزید.

اختلال در قوه درک:

دیگه چیزی حالیش نبود و خودی و غیر خودی نمی‌شناخت.

الگوهای تأثیرات فیزیولوژیکی احساس خشم در دو زبان انگلیسی و فارسی بسیار شبیه به یکدیگر می‌باشند و مطابق انتظار، عبارت‌های زبانی که بر اساس اصل کلی بالا در این دو زبان ساخته شده‌اند نیز بسیار شبیه به یکدیگر می‌باشند. دلیل اصلی وجود شباهت میان این عبارت‌ها وجود تجربیات بدنی مشترکی است که احتمالاً به‌صورت جهانی میان همه انسان‌ها وجود دارد. با این وجود، گاهی اوقات می‌توان ردپای خصوصیات فرهنگی را نیز در عبارات زبانی پیدا کرد. به‌عنوان مثال، هنگام خشم در زبان فارسی از کله آدم دود بلند می‌شود، در حالیکه در زبان انگلیسی از گوش‌ها دود در می‌آید و یا اینکه در زبان فارسی خون جلو چشم آدم را می‌گیرد در حالی که در زبان انگلیسی شخص عصبانی سرخ می‌بیند (to see red) استفاده می‌شود.

به عقیده لیکاف و کاوکسس (۱۹۸۷: ۱۹۷)، تأثیرات فیزیولوژیکی خشم، به‌خصوص آن قسمت‌هایی که برگرما تأکید می‌کند پایه و اساس استعاره خشم گرما است (ANGER IS HEAT) را که رایج‌ترین استعاره مربوط به احساس خشم می‌باشد، تشکیل می‌دهد. لیکاف و کاوکسس معتقدند گاهی اوقات گرما فقط در مورد جامدات به کار برده می‌شود که در آن صورت، استعاره خشم آتش است به کار برده می‌شود. اما در صورتی که این گرما در مورد سیالات به کار برده شود استعاره خشم گرمای سیال در ظرف است (ANGER IS THE HEAT OF A FLUID IN A CONTAINER) مورد استفاده قرار می‌گیرد که

بر گرما، فشار درونی، و هیجان الگوی فیزیولوژیکی تأکید دارد.

در زبان فارسی، استعاره‌های خشم گرما است و خشم آتش است، در تعداد زیادی از عبارت‌های استعاری

برای بیان احساس خشم به کار برده می‌شوند:

(۴) خشم گرما است / خشم آتش است

الف. یارو که امپر چسبانده بود با مشت توی دهنش کوبید.

ب. تا موضوع را شنید امپرش بالا رفت و شروع کرد به داد و فریاد.

ج. حاجی آتش گرفته بود: زنش بدون اجازه او از خانه بیرون آمده بود هیچ به او محل هم نمی‌گذارد.

د. نمی‌دانی کجای آدم می‌سوزد! ... دیگه جوابش را ندادم.

همان‌طور که گفته شد، در زبان انگلیسی نیز استعاره ANGER IS HEAT را در عبارت‌های زبانی

فراوانی می‌توان دید:

(5) ANGER IS HEAT/ FIRE

- a. These are inflammatory remarks.
- b. She was doing a slow burn.
- c. He was breathing fire.
- d. Your insincere apology just added fuel to the fire.

مثال‌های بالا از دو زبان فارسی و انگلیسی نشان می‌دهند که دو استعاره خشم گرما است و خشم آتش است در هر دو زبان تقریباً به شکل مشابهی به کار برده می‌شوند. نکته قابل توجه این است که در هر دو زبان، تمام بدن است که تحت تأثیر گرما و یا سوختن قرار می‌گیرد.

بر اساس لیکاف و کاکس (۱۹۸۷: ۱۹۷)، استعاره خشم گرما/ آتش است و ANGER IS FIRE/ HEAT استعاره سطح عام می‌باشند که فقط وجود تفکر زیربنایی مشترکی را در دو زبان نشان می‌دهند. اما نوع اطلاعاتی که در حوزه‌های مبدأ این استعاره در هر کدام از این زبان‌ها رمزگذاری شده است در بیشتر نمونه‌هایی که در این تحقیق مورد مطالعه قرار گرفت، با یکدیگر متفاوت می‌باشند. این تفاوت در رمزگذاری اطلاعات حوزه‌های مبدأ عمده‌تاً به گوناگونی میان زبانی این استعاره منجر می‌گردد. به عنوان مثال، در زبان فارسی از شخص خشمگین طرحواره تصویری ماشینی که مشکل فنی پیدا کرده است و نمی‌تواند کارکرد معمول خود را داشته باشد، ارائه می‌گردد (۴. الف و ب). مثال زیر نیز استفاده از همین طرحواره را در زبان مخفی که عمده‌تاً توسط جوانان به کار برده می‌شود، نشان می‌دهد:

(۶) فعلاً نرو پیشش ترمز بریده خطرناکه!

در حالی که این تعبیر استعاری در زبان انگلیسی وجود ندارد و در عوض شخص عصبانی به صورت اژدهایی درک می‌گردد که از دهان و بینی‌اش آتش در می‌آید (۵. c). در زبان انگلیسی، یک نطق آتشین باعث عصبانیت مردم می‌گردد (۵. a)، در حالی که در زبان فارسی معمولاً هیجان‌انگیز بودن آن نطق و سخنرانی را نشان می‌دهد.

تفاوت در درک حوزه‌های مبدأ باعث می‌شود تا حوزه مقصد نیز در دو زبان به صورت متفاوتی درک گردند که خود باعث وجود استعاره‌های متفاوت و شیوه‌اندیشیدن متفاوت می‌باشد. بر اساس الگوی استعاری احساس خشم در زبان فارسی، آتش گرفتن و یا سوختن نهایت خشم و عصبانیت را نشان می‌دهد (۴. ج و د) در حالی که در زبان انگلیسی این سوختن می‌تواند شروع خشم را نشان دهد (۵. b)، و یا حتی انسان خشمگینی را نشان دهد که خشم خود را به طور کامل بروز نداده است.

از نظر نوع عبارت‌های زبانی واحدهای واژگانی که برای بیان معانی استعاری در این دو زبان به کار برده شده‌اند شباهت عمده‌ای که وجود دارد این است که معمولاً از فعل‌های مرکب مانند آتش گرفتن، آمپر چسباندن، و یا الو گرفتن در زبان فارسی و do a slow burn، و یا breathe fire در زبان انگلیسی استفاده می‌گردد.

در رابطه با استعاره گرما/ آتش، زبان‌های فارسی و انگلیسی دارای یک استعاره مفهومی مشترک در سطح عام می‌باشند، اما حوزه مبدأ آنها در یک زبان استنباط‌هایی را به وجود می‌آورد که با زبان دیگر کاملاً متفاوت است. به عنوان مثال، در هر دو زبان فارسی و انگلیسی، آتش و fire به عنوان حوزه مبدأ برای نشان دادن خشم به کار برده می‌شوند اما استنتاج‌هایی که فارسی‌زبانان از این استعاره دارند، با استنباط‌های انگلیسی‌زبانان متفاوت است. در زبان فارسی خشم فرد خشمگین را می‌توان با ریختن آب سرد روی آن شخص خاموش کرد (جگرم خنک شد)، در حالی که در زبان انگلیسی این نتیجه‌گیری درباره خشم وجود ندارد، ولی با احساسات دیگری مانند میل

و اشتیاق (A wet blanket) و یا علاقه شدید و حتی شهوت (She doused his passion) به کار برده می‌شود.

استعاره خشم گرمای یک سیال درون ظرف است (ANGER IS THE HEAT OF A FLUID IN A CONTAINER) نوع دیگری از استعاره کلی خشم گرما است می‌باشد که در دو زبان فارسی و انگلیسی با بسامد بسیار بالایی مورد استفاده قرار می‌گیرد. لیکاف و کاوکسس (۱۹۸۷: ۱۹۷) معتقدند که دلیل فراوانی این استعاره وجود استعاره بدن ظرف احساسات است (THE BODY IS A CONTAINER FOR THE EMOTIONS) می‌باشد که در نظام استعاری زبان انگلیسی و البته زبان فارسی نیز وجود دارد:

(۷) بدن ظرف احساسات است

الف. با تمام وجودم دوستش دارم.

ب. دل پری از دست زمانه دارد.

(8) THE BODY IS A CONTAINER FOR THE EMOTIONS

a. He was fitted with angers.

b. She couldn't contain her joy.

در زبان‌های فارسی و انگلیسی، استعاره خشم گرما است با استعاره بدن ظرف احساسات است ترکیب

شده است و استعاره مهم خشم گرمای یک سیال درون ظرف است را به وجود آورده است:

c. خشم گرمای یک سیال درون ظرف است

الف. هنوز می‌توانم تحملش کنم ولی وقتی می‌گوید هرگز به سینما نرفته، جوش می‌آورم.

ب. فحش می‌داد و به بی‌دین‌ها لعنت می‌فرستاد و از اهانتی که به آستانه در خدا وارد آمده بود،

جوش می‌خورد.

ج. تا چشم پدر افتاد به این یادداشت‌ها یکپه از کوره در رفت.

د. از دست این پسر از کله آدم دود بلند می‌شه.

d. ANGER IS THE HEAT OF A FLUID IN A CONTAINER

a. You make my blood boil.

b. Simmer down!

c. I had reached the boiling point.

d. She got all steamed up.

e. Billy's just blowing off steam.

سیالی که در این مفهوم استعاری در زبان‌های فارسی و انگلیسی به کار برده می‌شود (الف-ب) و

(c-۱۰) می‌تواند مایع باشد، و هم مانند مثال‌های (۹.د) و (d.۱۰) می‌تواند گاز باشد. این مفهوم استعاری

در حقیقت برگرفته از دانش عمومی ما نسبت به جهان اطراف ماست: هنگامی که مایع یا گازی که در

محفظه‌ای قرار دارد گرم شود، مولکول‌های آن منبسط می‌شود و باعث افزایش فشار درونی ظرف خواهد شد

که اگر این وضعیت ادامه پیدا کند، منجر به انفجار می‌گردد. بنابراین، همان‌گونه که یو (۱۹۹۵: ۶۳) نیز

اظهار می‌دارد، در هر دو زبان فارسی و انگلیسی خشم به‌عنوان نیروی مخربی در نظر گرفته می‌شود که نه

تنها برای شخص خشمگین بلکه برای اطرافیان نیز می‌تواند خطرناک باشد. این عکس‌العمل رفتاری را می‌توان در هر دو زبان فارسی و انگلیسی مشاهده کرد.

تا آنجا که بررسی داده‌های این تحقیق نشان می‌دهد، این استعاره‌ها در دو زبان فارسی و انگلیسی از زایایی فراوانی برخوردار می‌باشند. لیکاف و کاوکسس (۱۹۸۷: ۱۹۸) معتقدند که استعاره‌های مفهومی می‌توانند دو نوع زایایی داشته باشند: زایایی واژگانی (lexical productivity) و استلزام استعاری (metaphorical entailment). در زایایی واژگانی، واژه‌ها و عبارت‌های یک زبان می‌توانند با تأثیر بر روند رمزگذاری یک استعاره مفهومی، معانی و مفاهیم جدیدی را به وجود آورند. به علاوه، واژه‌ها و عبارت‌های زبان می‌توانند باعث گسترش حوزه کاربرد و معنایی استعاره گردند. به عنوان مثال، اصطلاح آتش پختن برای کسی که یک وجب روغن رویش باشد را در نظر بگیرید. ذهنیت ما از آتش غذای داغ و بسیار گرمی است که در درون ظرفی قرار دارد و برای پختن آن باید مواد اولیه تهیه آن را برای زمان نسبتاً طولانی روی شعله یکنواختی قرار داد. هر چه که مدت زمان پختن بیشتر باشد، روغن بیشتری نیز روی غذا جمع می‌گردد. به دلیل گرمی این غذا، خوردن آن نیز نسبت به غذاهای دیگر زمان بیشتری طول می‌کشد. این خصوصیات ویژه آتش را می‌توان در استعاره خشم گرمای یک سیال در ظرف است مشاهده کرد. اصطلاح آتش پختن برای کسی که یک وجب روغن رویش باشد علاوه بر اینکه خشم فراوان را نشان می‌دهد، کنایه از برنامه‌ریزی طولانی از توطئه چیدن برای کسی دارد، به نحوی که آن شخص را مدت‌ها گرفتار سازد.

در زایایی استلزامی، استعاره مفهومی دانشی را که از حوزه مبدأ داریم، را با تمام جزئیات به حوزه مقصد منتقل می‌کند. به عنوان مثال، دانش عمومی ما درباره سیالات به ما می‌گوید هنگامی که سیالی گرم می‌شود، به طرف بالا حرکت می‌کند:

e. هنگامی که شدت خشم افزایش می‌یابد، سیال بالا می‌رود.

الف. تا موضوع را شنید آمیزش بالا رفت و شروع کرد به داد و فریاد.

ب. بیچاره در اوج عصبانیت فقط بر شیطان لعنت می‌فرستاد.

f. WHEN THE INTENSITY OF ANGER INCREASES, THE FLUID RISES

a. His pent-up anger welled up inside him.

b. She could feel her gorge rising.

شدت گرما باعث تولید بخار می‌شود و به ظرف فشار می‌آورد:

g. خشم شدید تولید بخار می‌کند

از کلش دود بلند می‌شد.

h. خشم شدید به ظرف فشار می‌آورد

الف. خیلی زور داشت قبول کنم برادرم را این بچه کشته بود.

ب. خیلی به‌لم فشار اومد.

(15) INTENSE ANGER PRODUCES STEAM

a. She got all steamed up.

b. I was fuming.

(16) INTENSE ANGER PRODUCES PRESSURE ON THE CONTAINER

- a. He was bursting with anger.
b. I could barely contain my rage.

گاهی نیز می‌توان این فشار را کنترل کرد و یا کاهش داد:

(۱۷) الف. همهٔ عصبانیت و ناراحتیش رو ریخت داخل دل خودش و هیچی نگفت.

ب. به هر بدبختی بود، نداشت فشارش بره بالاتر.

- (18) a. He turned his anger inward.
b. He managed to keep his anger bottled up inside him.

اما اگر نتوان این فشار را کنترل کرد، فشار درون ظرف بسیار بالا می‌رود و منجر به انفجار ظرف

می‌گردد:

(۱۹) وقتی که خشم بسیار شدید می‌شود، شخص منفجر می‌گردد.

الف. از عصبانیت داشت منفجر می‌شد.

ب. مردک صاحب گلدان ... یک دفعه مثل انار ترکید.

(20) WHEN ANGER BECOMES TOO INTENSE, THE PERSON EXPLODES

- a. When I told him, he just exploded.
b. She blew up at me.

نکتهٔ جالب و قابل توجهی که از مقایسهٔ استلزام‌های استعاری دو زبان فارسی و انگلیسی به دست می‌آید این است که علیرغم اینکه بر اساس تجربیات و دانش عمومی، در هر انفجاری که در ظرفی صورت می‌گیرد تمام یا قسمتهایی از ظرف منفجر شده نیز به هوا پرتاب می‌شود و هرچه که درون آن باشد نیز بیرون می‌ریزد، اما برخلاف زبان انگلیسی، بررسی داده‌ها هیچ‌گونه استلزام استعاری را در رابطه با این دانش عمومی در زبان فارسی نشان نمی‌دهد.

میزان شرح و بسط عبارتهای زبانی به کار رفته در این استعاره باعث ایجاد گوناگونی فرهنگی در این دو زبان گردیده است. منظور از بسط و گسترش این است که یک نگاشت یا استلزام استعاری باعث وجود عبارتهای زبانی متفاوت در زبانهای گوناگون می‌شود. استعارهٔ ANGER IS A HOT FLUID IN A CONTAINER استلزامها و نگاشتهای زیر را در زبان انگلیسی دارد:

"Pressure inside the container Difficult-to-control anger in the person."

"The container exploding.....the person losing control over anger."

"When the person-container explodes parts of him go up in the air."

بر همین اساس، جنبه‌های مختلف این استعاره در زبان انگلیسی به صورت عبارتهای زبانی زیر نمود پیدا کرده است: blow your top, flip your lid, blow a gasket, blow a fuse, have a cow. به نظر می‌رسد که این اصطلاحات به صورت مشابهی در زبان فارسی، متعارف (conventionalized) نشده باشند.

این به بدین معنی نیست که در زبان فارسی ابزاری برای بیان این جنبه خشم وجود ندارد، بلکه از ویژگی‌های شرح و بسط کمتری نسبت به زبان انگلیسی برخوردار است. برخلاف زبان فارسی، همانگونه که لیکاف و کاوکسس (۱۹۸۷: ۲۰۰) نیز نشان داده اند، این استلزامها به‌طور قابل ملاحظه‌ای در زبان انگلیسی به کار برده می‌شوند:

(21) WHEN A PERSON EXPLODES, PARTS OF HIM GO UP IN THE AIR

- a. I blew my stack.
- b. I blew my top.
- c. He hit the ceiling.

(22) WHEN A PERSON EXPLODES, WHAT WAS INSIDE HIM COMES OUT

- a. His anger finally came out.
- b. Smoke was pouring out of his ears.

گاهی نیز انفجار ظرف و بیرون آمدن مواد داخل ظرف در زبان انگلیسی به صورت زاییدن حیوانات نشان داده می‌شود:

(23) WHEN A PERSON EXPLODES, WHAT WAS INSIDE HIM COMES OUT

- a. She was having kittens.
- b. My mother will have a cow when I tell him.

تا اینجا، تحلیلی که لیکاف و کاوکسس بر اساس نظریه فرهنگی عکس‌العمل‌های فیزیولوژیکی ارائه داده‌اند، ما را قادر می‌سازد، روابط گوناگونی را که میان احساس خشم، عکس‌العمل‌های طبیعی و عبارت‌های زبانی یا به عبارت دیگر، میان حوزه‌های مبدأ و مقصد استعاره‌های مورد مطالعه وجود دارد، بهتر درک کنیم. بر اساس این نظریه، از تأثیرات فیزیولوژیکی اصلی احساس خشم افزایش دمای بدن، وجود هیجان شدید و به دنبال آن لرزش اندام‌های بدن و غیره می‌باشد. بر اساس همین نظریه، هیجان بیش از حد و غیرمنطقی از نشانه‌های فیزیولوژیکی دیوانگی نیز می‌باشد. افرادی که دیوانه خوانده می‌شوند، کارهای وحشیانه انجام می‌دهند، دست‌هایشان را بی‌اختیار تکان می‌دهند، دهانشان کف‌آلود می‌شود، و غیره. بر اساس مجاز تأثیرات فیزیولوژیکی احساس به جای خود احساس، این عکس‌العمل‌های فیزیولوژیکی به صورت مجازی به جای دیوانگی بکار برده می‌شود. این خصوصیات مشابهی که میان الگوهای فرهنگی تأثیرات فیزیولوژیکی خشم و دیوانگی وجود دارد، استعاره خشم دیوانگی است (ANGER IS INSANITY) را در زبان‌های فارسی و انگلیسی به وجود آورده است:

(۲۴) خشم دیوانگی است

الف. این بچه‌ها که برای من اعصاب نمی‌گذارند.

ب. دهنش کف کرده بود و به زمین و زمان فحش می‌داد.

ج. همچو دارد یقه می‌دراند انگار سر گردنه را بسته‌ام.

د. دیوانه شده! هیچی حالیش نیست.

(25) ANGER IS INSANITY

- a. I just touched him and he went crazy.
- b. You're driving me nuts.
- c. One more complaint and I'll go berserk.
- d. She went into an insane rage.

همان‌گونه که مثال‌های بالا از دو زبان فارسی و انگلیسی نشان می‌دهند، به خاطر ارتباطی که میان جنون و دیوانگی از یک سو و خشم از سوی دیگر وجود دارد، عبارت‌هایی که برای نشان دادن رفتارهای جنون-آمیز به کار برده می‌شوند می‌توانند خشم و عصبانیت را نیز نشان دهند. به عبارت دیگر، با توجه به استعاره خشم دیوانگی است و مجاز رفتار جنون‌آمیز به جای جنون، رفتار جنون‌آمیز برای نشان دادن خشم نیز به کار برده می‌شود. به نظر می‌رسد که در فرهنگ‌های فارسی و انگلیسی رفتارهای خشونت‌آمیز ناشی از شکست، ناامیدی، و یا یأس را می‌توان به عنوان نوعی از رفتار جنون‌آمیز در نظر گرفت. الگوی فرهنگی خشم در زبان‌های فارسی و انگلیسی نشان می‌دهد اشخاصی که نمی‌توانند خشم خود را کنترل کنند، رفتارهای خشونت‌آمیزی مانند کوبیدن سر به دیوار و یا پاره کردن و دراندن یقه پیراهن را از خودشان نشان می‌دهند. بنابراین، همان‌طور که لیکاف و کاوکسس (۱۹۸۷: ۲۰۵) نیز نشان داده‌اند، استعاره خشم دیوانگی است، در زبان فارسی و ANGER IS INSANITY در زبان انگلیسی دارای تناظرهای زیر می‌باشند:

(۲۶) خشم دیوانگی است

مبدأ: دیوانگی

مقصد: خشم

دلیل دیوانگی خشم است.

دیوانه شدن گذشتن از نقطه محدودیت میزان خشم است.

رفتار جنون‌آمیز رفتار ناشی از خشم است.

مبدأ: شخص دیوانه نمی‌تواند رفتار طبیعی داشته باشد.

مقصد: شخصی که عصبانیتش از حد گذشته باشد نمی‌تواند رفتار طبیعی داشته باشد.

مبدأ: شخص دیوانه برای دیگران خطرناک است.

مقصد: شخصی که عصبانیتش از حد گذشته است، برای دیگران خطرناک است.

یکی از تفاوت‌های اصلی که میان عبارت‌های زبانی مربوط به این استعاره در زبان‌های فارسی و انگلیسی وجود دارد، تأکید بیشتر فارسی‌زبانان بر مجاز تأثیرات یک احساس به جای خود آن احساس می‌باشد که باعث شده است به جز یک مورد (۲۴. د)، در بقیه موارد رفتارهای منتسب به دیوانگی برای بیان نهایت خشم و عصبانیت به کار برده شود. این در حالی است که در زبان انگلیسی بیشتر ترجیح داده می‌شود تا برای بیان خشم از خود واژه دیوانه و یا دیوانگی استفاده گردد، مانند مثال‌های (a-d. ۲۵). از طرف دیگر، استفاده از عباراتی مانند go berserk، و یا an insane rage نشان می‌دهد که ظاهراً در زبان انگلیسی تأکید بیشتری بر این تناظر که شخص دیوانه برای دیگران خطرناک است، وجود دارد در حالی که در نمونه‌های

جمع‌آوری شده از زبان فارسی خطر رفتارهای جنون‌آمیز شخص خشمگین بیشتر متوجه خود او می‌باشد تا دیگران.

تفاوت مهم دیگر در کاربرد این استعاره به زمینه‌های فرهنگی - عقیدتی فارسی‌زبانان و انگلیسی‌زبانان مربوط می‌شود. در آیات قرآن کریم و احادیث گوناگون به‌طور مؤکد به فرو بردن خشم توصیه شده است. به همین دلیل، در فرهنگ فارسی‌زبانان برای فرو بردن خشم از عبارات و اصطلاحاتی استفاده می‌گردد که ریشه‌های دینی و مذهبی دارند، مانند: لا اله الا الله، استغفرالله، لعنت بر شیطان، و یا صلوات بفرست. براساس تعلیم مذهبی و باورهای دینی، خشم و خشمگین شدن صفت ناپسندی است که باید از آن پرهیز کرد تا حدی که خشمگین شدن به‌عنوان تعدی از اصول دینی در نظر گرفته می‌شود:

(۲۷) الف. وقتی عصبانی می‌شه، دیگه خدا و پیغمبر نمی‌شناسه!

ب. تا منو اونجا دید، کفرش بالا اومد.

ج. از دستش حسابی کفری شده بودم.

د. تا شنید اومدم، یزید شد. (بسیار عصبانی شد؛ زبان مخفی)

کاربرد کلماتی مانند عزرائیل، ابن ملجم، شمر، و برای تأکید بیشتر شمر ذوالجوشن، و یا بخت‌النصر نیز ریشه در همین باورها و اعتقادات مذهبی ایرانیان دارد که معادل آنها را در زبان انگلیسی نمی‌توان یافت:

(۲۸) الف. چقدر از دست این ابن ملجم بکشد و صدایش در نیاید؟

ب. باز این شمر آمد خانه... فایده‌خانه آمدنت چیست؟ جز این که خلق سگت را برای ما بیاوری؟

ج. آقا، من حالا هم اسیرم، اسیر این شمر ذوالجوشن!

اگرچه در مسیحیت نیز خشم صفت مذموم و ناپسندی است، ولی در داده‌های مورد مطالعه از زبان انگلیسی، تنها نمونه مشابهی که یافت گردید، استفاده از Jesus! برای نشان دادن خشم است که بر خلاف عبارتهای به کار رفته در زبان فارسی در فرهنگ انگلیسی بسیار بی ادبانه و توهین آمیز تلقی می‌گردد.

همان‌طور که گفته شد، در الگوهای فرهنگی فارسی و انگلیسی خشم به‌عنوان احساسی منفی در نظر گرفته می‌شود که کنترل آن در هر دو فرهنگ امری پسندیده می‌باشد. از این رو، در الگوهای فرهنگی فارسی و انگلیسی، خشم به‌عنوان دشمنی در نظر گرفته می‌شود که باید بر آن غلبه کرد که خود این تفکر باعث شده است تا استعاره‌های خشم دشمن است و ANGER IS AN OPPONENT با بسامد بسیار بالایی در این دو زبان به کار برده شوند:

(۲۹) خشم دشمن است.

الف. تمام سعی‌ام را کردم جلو عصبانیتیم را بگیرم، ولی نشد.

ب. اگر آن روز عصبانیتش را کنترل کرده بود، حالا روزگارمان این نبود.

ج. بالاخره کنترل خودش را از دست داد و شروع کرد به فحاشی.

د. عاقبت بر خشمش چیره شد و سخنرانی خودش را شروع کرد.

(30) ANGER IS AN OPPONENT

a. I'm struggling with my anger.

- b. He was battling with his anger.
- c. She fought back her anger.
- d. I was seized by anger.

این استعاره از تناظرهای زیر درست شده است:

(۳۱) خشم دشمن است.

مبدأ: منازعه

مقصد: خشم

دشمن خشم است.

پیروزی کنترل کردن خشم است.

شکست غلبه خشم است.

اسارت، در دست گرفتن کنترل توسط خشم است.

تسلیماتی که برای پیروزی مورد نیاز است، انرژی است که برای کنترل خشم به کار می‌رود. استعاره خشم دشمن است. بیشتر به موضوع کنترل و خطر از دست دادن خشم شخص عصبانی اشاره می‌کند. اما همان‌طور که الگوی فرهنگی خشم در دو زبان فارسی و انگلیسی نیز نشان می‌دهد، فرد خشمگین می‌تواند برای دیگران نیز خطرناک باشد. به همین دلیل، استعاره خشم حیوان خطرناک است (ANGER IS A DANGEROUS ANIMAL) در این دو زبان خطر خشم را نه برای فرد خشمگین، بلکه برای اطرافیان آن شخص نشان می‌دهد:

(۳۲) خشم حیوان خطرناک است

الف. هیچ کس اخلاق سگیش رو نمی‌تونست تحمل کنه.

ب. پا روی دم من نذار!

ج. چه شده؟ ...چرا بیخود پاچه من را می‌گیری؟

د. مثل برج زهر مار است... می‌روم بیرون که دم پرش نباشم.

ه. باز هم محمد وسط افتاده بود و ادا در می‌آورد. خودم را از آنها کنار کشیدم که تا مبادا پر محمد به پرم بگیرد.

و. وقتی فهمید که هر دو درمانده‌ایم، سوار بر اسب شد که اله می‌کنم و بله می‌کنم.

(33) ANGER IS A DANGEROUS ANIMAL

- a. He has a fierce temper.
- b. That awakened my ire.
- c. He has a monstrous temper.
- d. He unlashd his anger.
- e. That got my hackles up.
- f. He was bristling with anger.
- g. Don't snap at me.

همان‌طور که مثال‌های بالا نیز نشان می‌دهند، در هر دو زبان تقریباً حیوانات مشابهی برای نشان دادن خشم به کار برده می‌شوند: سگ یا گرگ، پرنده، و حتی اسب. اما یکی از تفاوت‌های اصلی این عبارات

زبانی به نحوه کاربرد آنها مربوط می‌گردد. در حالی که در عبارات زبانی فارسی از خود کلمه سگ به طور مستقیم استفاده می‌گردد، به نظر می‌رسد در زبان انگلیسی از عکس‌العمل‌ها و رفتار این حیوان برای نشان دادن خشم استفاده می‌شود. نکته قابل تأمل دیگر این است بر اساس بررسی داده‌های این تحقیق، فراوانی عبارت‌های زبانی فارسی که در آنها از سگ استفاده شده است، بسیار بیشتر از زبان انگلیسی است. از طرف دیگر، در زبان انگلیسی استعاره‌های آتش و حیوان خطرناک با یکدیگر ترکیب شده اند و عبارت:

(34) He was breathing fire.

را به وجود آورده‌اند که در آن انسان خشمگین به اژدهایی تشبیه شده است که از دهانش آتشی در می‌آید که برای دیگران خطرناک است. این تصویر انسان خشمگین در زبان فارسی به کار برده نمی‌شود. مطالعه عبارت‌های زبانی مربوط به استعاره حیوان خطرناک در دو زبان فارسی و انگلیسی نشان می‌دهد که در هر دو زبان، خشم به صورت حیوان آرام ولی آماده حمله و یا در حال خوابی در نظر گرفته می‌شود که سر به سر گذاشتن و بیدار کردنش باعث حمله آن حیوان می‌شود، پس باید از آن دوری کرد. تناظرهایی که این استعاره را در این دو زبان می‌سازند، عبارتند از:

(۳۵) خشم حیوان خطرناک است.

مبدأ: حیوان خطرناک

مقصد: خشم

حیوان خطرناک خشم است.

رها شدن حیوان خطرناک از دست دادن کنترل خشم است.

صاحب حیوان خطرناک فرد خشمگین است.

زمانی که حیوان خواب است، تقریباً خشمی وجود ندارد.

بیدار کردن یا شدن حیوان حداکثر میزان خشم است.

مبدأ: رها کردن حیوان خطرناک بسیار خطرناک است.

مقصد: کنترل نکردن خشم انسان خطرناک است.

مبدأ: حیوان خطرناک وقتی خواب است، خطری ندارد ولی وقتی بیدار است، خطرناک

است.

مقصد: خشم تا زمانی که قابل کنترل است، خطری ندارد. ولی اگر از کنترل خارج شود خطرناک است.

مبدأ: وظیفه صاحب یک حیوان خطرناک کنترل آن حیوان است.

مقصد: وظیفه انسان خشمگین کنترل خشم خویش است.

مبدأ: کنترل کردن حیوان خشمگین نیاز به انرژی زیادی دارد.

مقصد: کنترل خشم نیاز به انرژی زیادی دارد.

الگوی فرهنگی خشم در دو زبان فارسی و انگلیسی میل (به صدمه زدن) را به عنوان بخشی از خود دارد که آن را می‌توان در زیر نگاهت‌های ANGER IS A WILD ANIMAL به صورت DESIRE IS HUNGER در زبان انگلیسی و میل شدید تشنگی است، در زبان فارسی مشاهده کرد:

(۳۶) به خونش تشنه‌س.

نکته قابل توجه در رابطه با این استعاره این است که در زبان انگلیسی هم HUNGER و هم THIRST را می‌توان به‌عنوان حوزه‌های مبدأ برای حوزه مقصد DESIRE اما در دو سبک کاملاً متفاوت به کار برد: HUNGER کاربردی عام دارد اما THIRST فقط در سبک ادبی به کار برده می‌شود. این در حالی است که در زبان فارسی فقط از تشنگی به‌عنوان حوزه مبدأ میل شدید استفاده می‌گردد.

علاوه بر استعاره‌هایی که در اینجا مورد مطالعه قرار گرفتند، کاوکسس (۲۰۰۳: ۲۱) از استعاره‌های دیگری نیز مانند خشم قدرت مافوق است (ANGER IS SOCIAL SUPERIOR)، خشم نیروی طبیعی است (ANGER IS A NATURAL FORCE)، و یا مجاز رفتار ناشی از خشم رفتار حیوان مهاجم است (ANGRY BEHAVIOR IS AGGRESSIVE ANIMAL BEHAVIOR) نام می‌برد که برای نشان دادن خشم در زبان انگلیسی مورد استفاده قرار می‌گیرند. این استعاره‌ها در زبان فارسی نیز به کار می‌روند، ولی به دلیل تعداد اندک عبارتهای زبانی مرتبط، در اینجا مورد بحث قرار نگرفتند.

همان‌طور که بحث شد، در زبان‌های فارسی و انگلیسی مفهوم خشم به وسیله تعداد بسیار زیاد و متنوعی از استعاره‌های مفهومی بیان می‌شوند که می‌توان آنها را بر اساس کاوکسس (۲۰۰۸) به سه دسته تقسیم کرد:

الف. استعاره‌های احساسی عمومی. این استعاره‌ها را به این دلیل که هرکدام از آنها را می‌توان در دو یا چند مورد دیگر نیز به کار برد، استعاره‌های احساسی عمومی می‌نامند. این استعاره‌ها فقط منحصر به احساس خشم نمی‌باشند و همان‌گونه که خواهیم دید، در مورد احساسات دیگری نیز مانند شادی، عشق، ترس، و غیره نیز به کار برده می‌شوند. این استعاره‌های احساسی عمومی در زبان‌های فارسی و انگلیسی عبارتند از:

(۳۷) الف. خشم گرما است.

ب. خشم گرمای سیال در ظرف است.

ج. خشم آتش است.

د. خشم دیوانگی است.

ه. خشم دشمن است.

و. خشم حیوان است.

ز. خشم قدرت مافوق است.

ح. خشم نیروی طبیعی است.

- (38) a. ANGER IS HEAT
 b. ANGER IS THE HEAT OF A FLUID IN A CONTAINER
 c. ANGER IS FIRE
 d. ANGER IS INSANITY
 e. ANGER IS AN OPPONENT
 f. ANGER IS AN ANIMAL

g. ANGER IS SOCIAL SUPERIOR

h. ANGER IS A NATURAL FORCE

ب. استعاره‌هایی که یک ارزشیابی را از مفهوم خشم ارائه می‌دهند. در فرهنگ‌های فارسی و انگلیسی خشم به‌عنوان پدیده‌ای ناپسند در نظر گرفته می‌شود که می‌تواند هم برای شخص خشمگین و هم برای اطرافیان او خطرناک باشد. به همین دلیل، همان‌طور که عبارت‌های زبانی جمع‌آوری شده نیز نشان می‌دهند، تمامی استعاره‌های بکار رفته در این دو زبان ارزشیابی کاملاً منفی از مفهوم خشم را نشان می‌دهند به‌خصوص در زبان فارسی که تحت تأثیر تعالیم مذهبی دین اسلام، خشمگین بودن را با بی‌دینی منتسب می‌دانند.

ج. استعاره‌هایی که بیشتر ماهیت یا ویژگی پدیدار شناختی خشم را نشان می‌دهند. استعاره‌هایی مانند خشم دیوانگی است، خشم حیوان خطرناک است، و یا خشم گرما است در زبان فارسی و ANGER IS A DANGEROUS ANIMAL، و یا ANGER IS HEAT. INSANITY، و یا اثرات آن را نشان می‌دهند.

۳. مجازهای مفهومی احساس خشم

احساس خشم معمولاً با بعضی از عکس‌العمل‌ها و پاسخ‌های فیزیولوژیکی، رفتاری، و عاطفی مانند افزایش دمای بدن، افزایش فشار درونی، سرخ شدن صورت، حالت تهاجمی پیدا کردن، ابروها را در هم کردن، اخم کردن و یا فحاشی کردن همراه است. این عکس‌العمل‌ها که در واقع تحت تأثیر مستقیم احساس خشم می‌باشند و در عبارت‌های زبانی نیز برای نشان دادن این حس به کار برده می‌شوند، عمدتاً از نوع مجاز مفهومی تأثیر احساس به جای خود احساس می‌باشند که در زبان‌های فارسی و انگلیسی با فراوانی بالایی مورد استفاده قرار می‌گیرند. در زیر نمونه‌هایی از عبارت‌های زبانی این مجاز مفهومی در زبان فارسی آورده شده است:

پاسخ‌های فیزیولوژیکی

افزایش گرمای بدن: از عصبانیت داشت آتش می‌گرفت.

فشار درونی: از خشم داشت منفجر می‌شد.

سرخ شدن صورت و ناحیه گردن: [از عصبانیت] صورتش سرخ شده بود.

هیجان و لرزش بدن: از عصبانیت تمام بدنش داشت می‌لرزید.

اختلال در قوه درک: دیگه چیزی حالیش نبود و خودی و غیر خودی نمی‌شناخت.

پاسخ‌های رفتاری

فحاشی کردن: پاشنه دهنش را کشید و حالا فحش نده کی بده!

شکستن اشیاء: وقتی عصبانی می‌شدمی رفت سر وقت ظرف‌های گل سرخی مادر جون که خیلی دوستشون داشت.

حمله کردن به اطرافیان: سگ که می‌شد، دیگه کسی جلودارش نبود. به همه می‌پرید.

پاسخ‌های عاطفی

اخم کردن: زنش وقتی دید او چیزی باخودش نیاورده، اخم‌هایش را تو هم کرد پرسید: مگر امروز کار نکردی؟

چشم غره رفتن: دائم به بچه‌ها چشم غره می‌رفت که بچه آب را حرام نکن.
داد و بیداد کردن: صبح تا شب توی دکانش جان می‌کندم، باز دادش بلند بود: چرا این کار را کردی؟
در زبان انگلیسی نیز تقریباً عکس‌العمل‌های مشابهی برای نشان دادن خشم به جای خود احساس خشم به کار می‌روند:

پاسخ‌های فیزیولوژیکی

BODY HEAT: When the cop gave her a ticket, she got all hot and bothered and started cursing.

INTERNAL PRESSURE: When I found out, I almost burst a blood vessel.

REDNESS IN FACE AND NECK AREA: She was scarlet with rage.

AGITATION: She was shaking with anger.

INTERFERENCE WITH ACCURATE PERCEPTION:
She was blind with rage.

پاسخ‌های رفتاری

INSULTING: She was shouting insults at her boyfriend.

BREAKING OBJECTS AROUND: He had smashed all the cups to pieces.

ATTACKING OTHERS: I'll smash his head if he comes here again!

پاسخ‌های عاطفی

FROWNING: Mattie frowned at him angrily.

SHOUTING: She flew into a rage and screamed blue murder at him.

لازم به ذکر است که عکس‌العمل‌های بالا فقط نمونه‌های عمده پاسخ‌های فیزیکی هستند که هنگام احساس خشم بروز می‌کنند. عکس‌العمل‌های مشابه دیگری را نیز می‌توان در دو زبان فارسی و انگلیسی یافت که یا از فراوانی زیادی برخوردار نیستند و یا خیلی مؤدبانه نمی‌باشند.

بررسی داده‌های مربوط به مجاز مفهومی نشان می‌دهد که شباهت‌های زیادی را می‌توان در پاسخ‌ها و عکس-العمل‌های مربوط به احساس خشم و عبارت‌های زبانی که برای بیان این حس در دو زبان به کار برده می‌شود یافت. این شباهت‌ها همگی ریشه در تجربیات بدنی مشترکی دارند که بین گویندگان این دو زبان و حتی زبان‌های دیگری مانند چینی، مجاری، و عربی وجود دارند و حکایت از وجود استعاره‌ها و مجازهایی جهانی و یا نزدیک به جهانی دارند. اما این شباهت‌ها را بیشتر در سطح عام می‌توان مشاهده کرد. هنگامی که این استعاره-های سطح عام با محتوای فرهنگی-معنایی یک زبان خاص پر می‌شوند تبدیل به استعاره‌های خاص می‌گردند که از زبانی به زبان دیگر تفاوت دارد. به‌عنوان مثال، استعاره THE ANGRY PERSON IS A PRESSURIZED CONTAINER ماهیتی جهانی دارد و آن را می‌توان تقریباً در اکثر زبان‌هایی که تا کنون مورد مطالعه قرار گرفته‌اند، یافت. اما نکته مهم این است که این استعاره در سطحی بسیار عام (generic) عمل می‌کند: این استعاره بسیاری از چیزهایی را که باید نشان دهد، نشان نمی‌دهد. به‌عنوان مثال، این استعاره مشخص نمی‌کند که منظور چه نوع ظرفی است، چطور فشار زیاد می‌شود، آیا ظرف گرم می‌شود یا خیر، چه

ماده‌ای (مایع، جامد، گاز) درون ظرف را پر می‌کند، و انفجار چه عواقب یا نتایج خواهد داشت. این استعاره فقط یک طرحواره کلی را به وجود می‌آورد که در هر زبانی که به کار برده می‌شود، با عناصر آن زبان پر می‌شود. مطالعه عکس‌العمل‌ها و پاسخ‌های رفتاری احساس خشم در زبان‌های فارسی و انگلیسی همچنین نشان می‌دهند که علیرغم شباهت‌های کلی که در آنها وجود دارد، تفاوت‌هایی نیز از نظر کاربردی در دو زبان دیده می‌شود که بیشتر به میزان تأکیدی که هر زبان بر عکس‌العمل‌های رفتاری داشته است، مربوط می‌گردد.

۴. الگوهای شناختی

بر اساس نظریه الگوهای شناختی (کاوکسس، ۲۰۰۵، ۲۰۰۳، ۱۹۹۱)، استعاره‌های مفهومی، مجاز و مفاهیم مرتبطی که شرح آنها در بالا رفت، با یکدیگر در یک یا چند الگوی شناختی نمونه‌اعلای احساس خشم ترکیب می‌گردند و در نتیجه، الگوی شناختی نمونه‌اعلا را می‌سازند و یا بر اساس آن عمل می‌کنند. لیکاف و کاوکسس (۱۹۸۷) نشان داده‌اند که درک خشم در زبان انگلیسی به صورت نمونه‌اعلای الگوی شناختی انجام می‌پذیرد که در زبان مجاری (کاوکسس، ۲۰۰۵) نیز دقیقاً وجود دارد و در زبان‌های دیگری مانند چینی (کینگ، ۱۹۸۹)، و ژاپنی (ماتسوکوی، ۱۹۹۵) نیز با اندک تغییراتی گزارش شده است. بررسی دلتهای زبان فارسی نیز وجود الگوی شناختی تقریباً مشابهی را برای درک مفهوم خشم نشان می‌دهد. این الگوی شناختی از پنج مرحله زیرتشکیل شده است:

عامل ایجاد خشم:

کسی یا چیزی شخص را می‌رنجاند.

رویداد رنجش‌آوری باعث رنجش و ناراحتی شخص می‌گردد.

شدت خطا با شدت رنجش تناسب ندارد، بنابراین عدم توازن را به وجود می‌آورد.

این خطا باعث ایجاد خشم می‌شود.

خشم:

خشم وجود دارد.

شخص خشمگین اثرات فیزیولوژیکی خاصی (مانند گرما، فشار، لرزش) را تجربه می‌کند.

خشم به شخص فشار می‌آورد و او را وادار به تلافی می‌کند.

تلاش برای کنترل خشم:

شخص سعی می‌کند تا خشم خود را کنترل کند.

از دست دادن کنترل:

شدت خشم از حد می‌گذرد.

خشم بر شخص غلبه می‌کند.

شخص رفتار خشمگینانه (مانند حرکات تهاجمی، بی‌منطقی، و غیره) از خود نشان می‌دهد.

شخص خشمگین به خود صدمه می‌زند.
خطر شخص خطاکار و احتمالاً بقیه را تهدید می‌کند.
تلافی:

شخص خشمگین حرکت خطاکار را (با رفتار خشمگینانه خود) تلافی می‌کند.
شدت تلافی با شدت خطا متناسب است.
شدت خشم به صفر می‌رسد یا کاهش می‌یابد.
خشم به پایان می‌رسد.

همان‌طور که مثال‌های فارسی و انگلیسی نیز نشان می‌دهند، استعاره‌ها و مجازهای مفهومی مختلفی با یکدیگر ترکیب گردیده‌اند تا این الگوی شناختی را به جود آورند. شباهت‌های فراوانی را می‌توان میان زبان‌های فارسی و انگلیسی در به کارگیری الگوی نمونه‌اعلای خشم مشاهده کرد. در هر دو زبان، این مراحل یکی پس از دیگری به وقوع می‌پیوندد و می‌توان جنبه‌های هستی‌شناختی، علی، و عاطفی را به ترتیب مشاهده کرد. در هر دو زبان، خشم نیرویی درون شخص است که می‌تواند آن شخص را تحت تأثیر قرار دهد. جنبه هستی‌شناختی در هر دو زبان شامل فرآیندهای فیزیولوژیکی است که با این احساس انجام می‌گیرند. بخش عاطفی این الگو در هر دو زبان شیوه بروز خشم را نشان می‌دهد. این الگوی شناختی همچنین نشان می‌دهد که در این دو فرهنگ، خشم به صورت عبارت‌های زبانی بیان می‌شود. بعد از جنبه عاطفی، بخش کنترل خشم می‌باشد که در هر دو زبان از دو مرحله جداگانه تشکیل می‌شود: تلاش برای کنترل احساس خشم و عدم موفقیت در کنترل آن. به نظر می‌رسد که بتوان الگوی شناختی احساس خشم را در این دو زبان به صورت خلاصه به صورت زیر نشان داد:

دلیل وجود خشم ← وجود خشم ← تلاش برای کنترل خشم ← عدم کنترل ← بیان خشم
کاوکسس (۲۰۰۰: ۱۶۱) معتقد است شباهت‌های میان الگوهای فرهنگی خشم می‌تواند توضیحات گوناگونی داشته باشد. ممکن است این شباهت کاملاً تصادفی باشد، این امکان وجود دارد که این الگو از فرهنگی به فرهنگ دیگر منتقل شده باشد، و نهایتاً ممکن است بتوان گفت که این ساختار محصول درک انسان است که عمیقاً تحت تأثیر خصوصیات جهانی و هم‌چنین مشترکات بدن انسان قرار دارد. شواهد متعددی وجود دارد که نشان می‌دهد دلیل سوم می‌تواند شباهت میان الگوهای فرهنگی به کار رفته در بیان احساسات را نشان دهد.

نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از بررسی و مقایسه استعاره‌های مفهومی مربوط به احساس خشم و عبارت‌های زبانی آن در زبان‌های فارسی و انگلیسی نشان می‌دهد که این استعاره‌ها را می‌توان بر اساس شباهت و تفاوتی که میان آنها وجود دارد، به دو گروه مختلف تقسیم کرد: (۱) استعاره‌های مفهومی مشابه، عبارت‌های زبانی مشابه. در این گروه، استعاره‌های مفهومی کاملاً مشابهی برای بیان احساس خشم در هر دو زبان به کار برده

می‌شود. همچنین، عبارت‌های زبانی که برای بیان این استعاره‌های مفهومی به کار برده می‌شوند، دارای معانی تحت اللفظی و همچنین مجازی کم و بیش مشابهی می‌باشند. مانند:

(۳۹) خشم گرمای سیال درون ظرف است

الف. داری خونم را به جوش می‌آری.
You make my blood boil.

(۲) استعاره‌های مفهومی مشابه، عبارت‌های زبانی متفاوت، بررسی اطلاعات جمع‌آوری شده از زبان‌های فارسی و انگلیسی نشان می‌دهد که مواردی وجود دارد که خشم با استعاره‌های مفهومی مشترکی در این دو زبان نشان داده می‌شود، اما عبارت‌های زبانی که برای بیان این احساس به کار برده می‌شوند، از نظر نوع واژگان و همچنین تأثیر عوامل فرهنگی با یکدیگر تفاوت دارند:

(۴۰) خشم آتش است

[از عصبانیت] از کله آدم دود بلند می‌شود. Smoke was pouring out of his ears.

در رابطه با وجود شباهت‌هایی که میان استعاره‌های مربوط به احساس خشم در زبان‌های مختلف وجود دارد، کاوکسس (۲۰۰۰: ۱۶۴) اظهار می‌دارد که علاوه بر فعالیت‌ها و عکس‌العمل‌های فیزیولوژیکی که هنگام بروز یک احساس، مانند خشم، در بدن انسان رخ می‌دهد، وجود شباهت در استعاره‌های مفهومی فرهنگ‌ها و زبان‌های متفاوتی مانند فارسی، انگلیسی، مجاری، چینی، ژاپنی، و یا عربی و احتمالاً سایر زبان‌ها می‌تواند بدلیل وجود عقاید بسیار مشابهی باشد که گویشوران این زبان‌ها در رابطه با بدن خویش دارند. به‌عنوان مثال، در همه این زبان‌ها، بدن به‌عنوان ظرفی دیده می‌شود که حامل احساسات است. در این ظرف، فرآیندهای فیزیولوژیکی مشابهی مانند افزایش گرمای بدن، فشار درونی، سرخ شدن صورت و گردن و غیره رخ می‌دهد که در نهایت به صورت استعاره‌های مفهومی در اندیشه و سپس در زبان متجلی می‌شوند. بر اساس دیدگاه‌های شناختی به استعاره، وجود شباهت‌های میان استعاره‌های به کار رفته در زبان‌های گوناگون را می‌توان انگیزشی جهانی دانست و آن را در قالب نظریهٔ تجسد که بر خصوصیت پیوسته و انگیزندهٔ رابطه میان تجربیات بدنی پیش‌زبانی یا غیرزبانی و شناخت تأکید می‌کند، مطالعه کرد (سینه‌ها و یسنن دولوپز، ۲۰۰۰: ۱۸). همان‌طور که معالج (منتشر نشده: ۸۸) نیز اظهار می‌دارد، بدن و تجسد از دیدگاه علوم شناختی فقط به تأثیرات فیزیولوژیکی، عصبی- فیزیولوژیکی ذهن، و تعامل کالبد فیزیکی با دنیا محدود نمی‌شود، بلکه تجربیات اجتماعی فرهنگی را نیز دربر می‌گیرد. به عبارت دیگر، در نظریهٔ تجسد، بافت فرهنگی- اجتماعی که بدن در آن قرار دارد را نیز باید در نظر گرفت.

نتایج این تحقیق نشان می‌دهد علی‌رغم شباهت‌هایی که میان استعاره‌های مربوط به احساس خشم در زبان‌های فارسی و انگلیسی وجود دارد، تفاوت‌های فراوانی را نیز می‌توان مشاهده کرد. جنبه‌های گوناگونی استعاره‌های مربوط به خشم در زبان‌های فارسی و انگلیسی را که در این تحقیق مورد بررسی قرار گرفتند، می‌توان مربوط به یک یا چند دلیل زیر دانست:

۱. زمینه‌های فرهنگی - عقیدتی متفاوت؛

۲. تفاوت در نوع اطلاعاتی که در حوزه‌های مبداء بعضی از استعاره‌های مربوط به خشم در این دو زبان کدگذاری گردیده است.

۳. میزان شرح و بسط واژگانی که برای بیان معانی استعاری به کار برده شده‌اند.
۴. نوع دستوری واحدهای واژگانی که برای بیان معانی استعاری به کار برده شده‌اند.

منابع

- انوری، حسن (۱۳۸۱)، فرهنگ بزرگ سخن، تهران: انتشارات سخن.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، لغتنامه، تهران: موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
- نجفی، ابوالحسن (۱۳۸۷)، فرهنگ فارسی عامیانه، تهران: انتشارات نیلوفر.
- Al-Abed Al-Haq, F; El-Sharif, 2008. A Comparative Study for the Metaphors Use in Happiness and Anger in English and Arabic. US- China Foreign Language, Volume 6, 11, 1-18.
- King, B. 1989. The Conceptual Structure of Emotional Experience in Chinese. PhD thesis.
- Kövecses, Z. 1989. Emotion Concepts. New York: Springer.
- Kövecses, Z. 2000a. Metaphor and Emotion: Language, Culture, and Body in Human Feeling. Cambridge: Cambridge University Press.
- Kövecses, Z. 2000b. The Concept of Anger: Universal or Culture specific? Psychopathology, 33, 159-170.
- Kövecses, Z. 2003. Language, figurative thought, and cross-cultural comparison. Metaphor and Symbol, 18 (4), 311-320.
- Kövecses, Z. 2005. Metaphor in Culture: Universality and Variation. New York/ Cambridge: Cambridge University Press.
- Kövecses, Z. 2008. The Conceptual Structure of Happiness. In H. Tisari, A. Brigitta Pessi, & M. Salmela (Eds.), Happiness: Cognition, Experience, Language (pp. 131-143). Helsinki: Helsinki Collegium for Advanced Studies.
- Lakoff, G., & Kövecses, Z. 1987. The cognitive model of anger inherent in American English. In D. Holland, & N. Quinn (Eds.), Cultural Models in Language and Thought (pp. 195-221). New York: Cambridge University Press.
- Maalej, Z. 2004. Figurative language in anger expressions in Tunisian Arabic: An extended view of embodiment. Metaphor and Symbol, 19 (1), 51-75.
- Maalej, Z. (Forthcoming). Metaphor, Embodiment, and Culture: Tunisian Arabic data. Amsterdam and Philadelphia: John Benjamins Publishing Company.
- Matsuki, K. 1995. Metaphors of anger in Japanese. In Taylor, J. R., and R., MacLaury (Eds.), Language and the Cognitive Construal of the World (pp. 137-151). Berlin: de Gruyter.
- Mikolajczuk, A. (1998). The metonymic and metaphoric conceptualisation of anger in Polish. In A. Athanasiadou, and E. Tabakowska (Eds.), Speaking of Emotions: Conceptualisation and Expression (pp. 153-191). Berlin: Mouton de Gruyter.
- Munro, P. 1991. Anger is heat: Some data for a crosslinguistic survey. Department of Linguistics, UC Los Angeles.
- Sinha, C., & Jensen de Lopez, K. 2000. Language, culture, and the embodiment of spatial cognition. Cognitive Linguistics, 11: 17-41.
- Soriano, C. 2003. Some anger metaphors in Spanish and English: A contrastive review. International Journal of English Studies, Vol. 3 (2), 107-122.

- Taylor, J. R., and Mbense, T. 1998. Red dogs and rotten mealies: How Zulus talk about anger. In A. Athanasiadou, and E. Tabakowska (Eds.), *Speaking of Emotion* (pp. 191-226). Berlin: Mouton de Gruyter.
- Yu, N. 1995. Metaphorical Expressions of Anger and Happiness in English and Chinese. *Metaphor and Symbolic Activity*, 10: 59-92.